

Tuesday, August 06, 2019
10:18 AM

بررسی اعجاز اقتصادی قرآن

سیدعلی حسینی*

چکیده

ابعاد اعجاز قرآن کریم از ابتدای نزول تا امروز در بین مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و دانشمندان مسلمان کوشیده‌اند در عرصه‌های گوناگون اعجاز قرآن را ثابت نمایند. در همین راستا مطالبی با عنوان اعجاز اقتصادی قرآن منتشر شده است که در برخی موارد، بدون در نظر گرفتن شرایط لازم و دلیل عقل‌پسند مطالبی را برای اثبات اعجاز اقتصادی بیان نموده است. در این نوشتار بر آن شدیم تا با روش توصیفی-تحلیلی با بیان دیدگاه‌ها در مورد شرایط و اعجاز علمی، همچنین مفهوم اعجاز اقتصادی، دلایل موافقین این مدعا را نقد و بررسی نماییم.

کلید واژه‌ها: اعجاز، اقتصاد، علم، تفسیر به رأی، نقد و بررسی.

* دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس /

shahab4022@gmail.com

مقدمه

بی‌تردید قرآن کریم تنها منبع سرنوشت ساز و عامل نجات‌بخش ملل جهان است، لذا از زوایا و ابعاد مختلف باید مورد بررسی قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین مباحث مهم قرآنی، ابعاد اعجاز قرآن کریم است که خود سند نبوت پیامبر اسلام ﷺ و حقانیت قرآن است؛ بدین معنا که هر کتابی ویژگی بارزی دارد و ویژگی بارز قرآن، اعجاز آن است که به قرآن، اصالت ماورایی می‌بخشد و او را از همه کتاب‌های موجود در جهان متمایز می‌سازد.

شناخت اعجاز قرآن از ابتدایی‌ترین، اصیل‌ترین و ضروری‌ترین شناخت‌هاست، زیرا اساس باور میلیون‌ها مسلمان است لذا این باور، باید متکی بر بینشی عمیق، استدلالی درنهایت استحکام، آگاهانه و دلیل‌مند باشد نه تقلیدگرایانه یا تعبدی، زیرا درک و شناخت آگاهانه اعجاز قرآن بدان قداست می‌بخشد، برتری‌ها و شگفتی‌هایش را به ما نشان می‌دهد و استدلال‌های بی‌اساس، زمینه شبهات دشمنان اسلام و قرآن را بیش از پیش فراهم می‌نماید. هرچند مسلمانان اعم از شیعه و سنی به این مهم همت گماشته‌اند، مباحث ارزشمندی در تفاسیر قرآن ارائه نموده و کتاب‌های مستقل در زمینه اعجاز قرآن کریم تألیف نموده‌اند، اما برخی از تلاش‌های صورت گرفته، نیازمند دقت بیشتر و استدلال عقل‌پذیر است که اگر غیر از آن باشد منجر به تفسیر به رأی و سست شدن اعتقاد دیگر مسلمانان خواهد شد. این مطلب ما را بر آن داشت که ضمن نقد برخی نظرات ارائه شده در این مسئله، بحث اعجاز اقتصادی قرآن کریم را با محوریت قرآن و حدیث و عقل مورد بررسی قرار دهیم.

۱. پیشینه بحث

اعجاز قرآن از نخستین مباحث علوم قرآنی می‌باشد. قرآن کریم در بحث معجزه بودن خود از تعبیر «اعجاز» و «خارق العاده» استفاده ننموده، بلکه همواره از معجزات انبیاء با تعبیر چون «آیه» و «بینه» یاد نموده است. از این‌رو، اصطلاح معجزه در مورد قرآن بعدها رواج یافته است. هرچند برخی قائل است در آغاز بعثت به دلیل آنکه اعراب با شنیدن آیات الهی خود متوجه برخی موارد اعجاز مانند اعجاز بیانی و بلاغی بدون نیاز به استدلال بودند (بنت شاطی، ۱۳۷۹: ۴۵) کسی به این موضوع نپرداخته است. در قرن‌های بعد به دلیل گسترش معارف اسلام در خارج از حوزه اسلامی لازم شد مسلمانان برای دفاع از وحیانی بودن قرآن به این مهم بپردازند. نخستین مرحله از مباحث اعجاز قرآن، در آثار مفسران و متکلمان یافت می‌شود که معتقد بودند، قرآن نشانه و برهانی بر رسالت پیامبر ﷺ است.

سیدرضا مودب در کتاب «اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم‌السلام» می‌گوید: بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در نیمه دوم قرن دوم، مبحث اعجاز قرآن، آغاز شده است. در نخستین مباحث، دانشمندان مسلمان، با توجه به گفته‌های مخالفان و معارضان قرآن، سعی نموده‌اند، سلامت قرآن را از هرگونه تناقض و اختلاف، چگونگی عبارات و الفاظ و تراکیب، فنون بدیع و استعارات و تشبیهات نشان داده و عظمت قرآن را یادآوری نمایند.

در پایان قرن دوم و آغاز قرن سوم، مباحث اعجاز قرآن، به صورت استوارتر شکل گرفت که در نهایت به تدوین کتاب‌های مستقلی در آن قرن، منتهی شد و این مهم، همچنان در قرون بعد از آن ادامه یافت. آثار دانشمندان اسلامی درباره اعجاز قرآن، غالباً در تفسیر و ذیل آیات ۸۸ اسراء و ۲۳ بقره و دیگر آیات تحدی، بیان شده و جمعی از مفسران نیز در مباحث مقدماتی تفسیر خود به آن پرداخته‌اند. مانند راغب اصفهانی، فخر رازی، طبرسی، زمخشری، بلاغی، علامه طباطبایی و... اما جمعی هم بر تدوین اثر مستقلی در اعجاز قرآن، اقدام نموده‌اند و یا در مجموعه آثار خود، بخش مستقلی را بدان اختصاص داده‌اند. (مودب، ۱۳۷۹: ۱۱) که به مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود:

- بیان اعجاز القرآن (ابوسلیمان محمد بن ابراهیم خطابی؛ م. ۳۸۸)؛
- اعجاز القرآن (قاضی ابوبکر محمد بن طیب باقلانی؛ م. ۴۰۳)؛
- اعجاز القرآن و الکلام فی وجوهه (محمد بن نعمان، شیخ مفید؛ م. ۴۰۳)؛
- اعجاز القرآن (حسین احمد نیشابوری از شاگردان شیخ طوسی؛ م. ۴۶۰)؛
- التنبيه على اعجاز القرآن (محمد بن ابی القاسم خوارزمی؛ م. ۵۶۲)؛
- نهاية الایجاز فی درایة الاعجاز (فخر رازی؛ م. ۶۰۴)؛
- اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم‌السلام و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام (سیدرضا مودب؛ معاصر)؛
- الاتقان فی علوم القرآن (جلال الدین سیوطی؛ م. ۹۱۱)؛
- التصوير الفنّی فی القرآن (سید قطب)؛
- المعجزة الخالده (سید هبة الله شهرستانی)؛
- البیان فی تفسیر القرآن (آیت‌الله ابوالقاسم خوئی، بخش اعجاز).

۲. مفهوم‌شناسی

برای روشن شدن موضوع اعجاز اقتصادی در قرآن کریم ضروری به نظر می‌رسد تعریفی اجمالی از واژه‌های «اقتصاد» و «اعجاز» ارائه شود تا مفهوم اعجاز اقتصادی روشن شود.

الف) اقتصاد

اقتصاد از ریشه قَصَدَ گرفته شده است. به معنای اعتدال و میانه‌روی. «الْإِقْتِصَادُ فِيمَالَهُ طَرَفَانِ إِفْرَاطٌ وَ تَفْرِيطٌ، كَالْجُودِ، فَإِنَّهُ بَيْنَ الْإِسْرَافِ وَ الْبُخْلِ؛ إِقْتِصَادٌ أَنْ اسْتَكْفَرَ بِرَأْيِهِ أَوْ دُونَ ذَلِكَ مِنْهُ، وَ تَفْرِيطٌ أَنْ يَتْرُكَهُ وَ يَتْرُكُ الْبُخْلَ وَ الْإِسْرَافَ» (۱۴۲۷ق: ۶۷۲؛ فراهیدی، العین، ج ۳: ۱۴۸۱)

اقتصاد در قرآن

واژه اقتصاد در قرآن نیز به معنای میانه‌روی و اعتدال آمده است. قرآن کریم در آیاتی می‌فرماید:

۱. «وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَ مِنْهَا جَائِرٌ وَ لَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ؛ وَ بَرِ خَدَاةِ كِه رَاه رَاسِت رَا (بِه بِنْدِگَان) نِشَان دِهْد، اَمَّا بَعْضَى از رَاهَا بِي رَاهِه اسْت! وَ اِگَر خِدا بَخَوَاهِد، هَمِه شَمَا رَا (بِه اِجْبَار) هِدَايْت مِي كِنْد (وَلِي اِجْبَار سُودَى نِدَارْد)» (نحل: ۹)
 ۲. «وَ اَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ اِنْ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ؛ دَر رَاه رِفْتِن، اِعْتِدَال رَا رِعَايْت كُن؛ از صِدَاى خُود بَكاه (وَ هِرْگِز فَرِياد مِزِن) كِه زِشْت تَرِين صِدَاها صِدَاى خِرَان اسْت» (لقمان: ۱۹)
 ۳. «وَ لَوْ اَنْهَمُ اَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْاِنْجِيلَ وَ مَا اَنْزَلْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ اُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْملُونَ؛ وَ اِگَر اَنَان، تورات و انجيل و آنچه را از سوي پروردگارشان بر آنها نازل شده [قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمين، روزي خواهند خورد؛ جمعي از آنها، معتدل و ميانه‌رو هستند، ولي بيشترشان اعمال بدى انجام مي‌دهند» (مائده: ۶۶)
- كلمه قِصْد دَر هِر چيز بِه مَعْنَاى حُد اِعْتِدَال دَر اَن اسْت. (طباطبائي، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۲۷)

تعريف علم اقتصاد

دَر تعريف علم اقتصاد اسلامى بين دانشمندان و متفكران اختلاف وجود دارد. متفكر شهيد آيت الله سيد محمدباقر صدر (ره) دَر تعريف علم اقتصاد مِي گويد: «فَعِلْمُ الْاِقْتِصَادِ

هُوَ عِلْمُ الَّذِي يَتَنَاوَلُ تَفْسِيرَ الْحَيَاةِ الْاِقْتِصَادِيَّةِ وَ اَحْدَاثِهَا وَ ظَوَاهِرِهَا وَ رِبْطَ تِلْكَ الْاِحْدَاثِ وَ الظَّوَاهِرِ بِالْاَسْبَابِ وَ الْعَوَامِلِ الْعَامَةِ الَّتِي تَتَحَكَّمُ فِيهَا؛ علم اقتصاد عبارت است از علمی که حیات اقتصادی و پدیده‌ها و جلوه‌های آن را تفسیر می‌کند و ارتباط آن پدیده و جلوه‌ها را با اسباب و عواملی کلی که بر آن حاکم است، بیان می‌دارد». (صدر، ۱۳۶۰: ۶)

ب) اعجاز

هرچند در قرآن کریم لفظ «معجزه» نیامده است، اما مشتقات آن، همان معنا را می‌رساند چنان که در آیه‌ای می‌فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعٍ؛ ما تندباد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم که استمرار و ادامه داشته است، بر آنها فرستادیم که مردم را همچون تنه‌های نخل ریشه کن شده، از جا می‌کند». (قمر: ۲۰)

در آیه دیگری به معنای عاجز کردن آمده و می‌فرماید: «وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ؛ ما دانستیم که هرگز خدا را عاجز نتوانیم کرد». (جن: ۱۲)
«إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِي وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ؛ آنچه به شما وعده داده می‌شود، یقیناً می‌آید و شما نمی‌توانید (خدا را) ناتوان سازید». (انعام: ۱۳۴)

اما در لغت عَجَزَ (بر وزن فلس) به معنای ناتوانی است. راغب در مفردات می‌گوید: معاجزه به معنای عاجز کردن است و مسابقه نیز معنی شده که طرفین در صدد عاجز کردن یکدیگرند. از این رو از مفهوم عجز، ضعف و ناتوانی، فهمیده شده است. بدین جهت اعجاز در لغت به معنی به عجز در آوردن و ایجاد عجز و درماندگی در طرف مقابل نمودن است و معجزه، فعلی است که دیگران از آوردن آن عاجز و ناتوان هستند. (قرشی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۲۶۹)

معجزه در اصطلاح

در نظر متکلمین و مفسرین، معجزه دارای تعریف خاصی است که به دو تعریف از صاحب نظران، اکتفا می‌نماییم.

آیت‌الله خوئی در تعریف معجزه می‌گوید: «ان يأتي المدعى لمنصب من المناصب الالهيه بما يخرق نواميس الطبيعه و يعجز عنه غيره شاهداً على صدق دعواه؛ معجزه آن است که فردی که ادعای منصبی از مناصب الهی می‌نماید (مانند پیامبر) کاری را انجام بدهد که فراتر و برتر از قوانین طبیعت باشد؛ دیگران نیز از انجام آن عاجز و ناتوان باشند. ضمن آنکه، آن کار گواهی بر درستی ادعای او نیز باشد». (خوئی، ۱۳۷۰: ۳۵)

سیوطی می‌گوید: بدان که معجزه امری خارق عادت، مقرون به تحدی و محفوظ از معارضه است و آن یا حسی است و یا عقلی و بیشتر معجزات بنی اسرائیل حسی بوده به

جهت کند ذهنی و کمی بینش آنها و بیشتر معجزات این امت عقلی است به جهت بسیاری عقل و کمال فهم ایشان و زیرا که چون این شریعت بر صفحه‌های روزگار جاودانی است. (سیوطی، ۱۳۸۰: ۳۶۷)

شرایط اعجاز

محقق معاصر سید رضا مودب برای معجزه شریطی را بیان می‌دارد از جمله اینکه:

۱. به واسطه مدعی نبوت محقق شود. یعنی اعمال و کارهایی می‌تواند معجزه به حساب آید که شخص مدعی نبوت، آنها را برای اثبات حقانیت خود اقامه نماید؛
۲. مطابق با خواسته او باشد. یعنی مدعی نبوت، می‌باید هرآنچه را که ادعا می‌کند، محقق نماید. برای مثال اگر او، مدعی شفای چشم نابینایی است، همان کار را انجام بدهد و آلا اگر پس از چنین ادعائی، او شنوا شود، معجزه او محسوب نمی‌شود، گرچه از توان دیگران، خارج باشد؛
۳. دیگران از انجام آن عاجز باشند. معجزه، باید کاری باشد که دیگران توان انجام آن را نداشته باشند و آلا اگر امری باشد که دیگران بتوانند آن را به واسطه تعلیم و... انجام دهند، معجزه، محسوب نمی‌شود؛
۴. همراه با تحدی باشد. یعنی مدعی نبوت باید دیگران را به مقابله و مبارزه دعوت نماید و با انجام امری فوق‌العاده و اثبات عجز دیگران، ادعای خود را ثابت نماید مانند تحدی پیامبر اسلام ﷺ.

۱۰

در مورد قرآن، آنجا که می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ اگر درباره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کردیم شک و تردید دارید، (لااقل) یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر از خدا بر این کار دعوت کنید، اگر راست می‌گویید.»

بنابراین هر کاری گرچه فوق‌العاده باشد و دیگران از انجام آن عاجز باشند، ولی اگر به همراه تحدی و مبارزه طلبی نباشد، معجزه، محسوب نمی‌شود، بلکه آن را «کرامات» نامیده‌اند. مانند کرامات معصومین علیهم‌السلام و اولیا و صالحین و متقین، از این روی هر کاری که فوق‌العاده است و همراه با تحدی و از طرفی مدعی نبوت و مطابق با خواسته او باشد، معجزه است و پیامبران و رسولان الهی در فرصت‌های لازم و ضروری، برآوردن آنها مبادرت نموده‌اند. (مودب، ۱۳۷۹: ۱۸-۱۵)

ج) مفهوم اعجاز اقتصادی

با توجه به تعاریف اقتصاد و اعجاز قرآن کریم، این نکته برای ما روشن می شود هر امری که دارای شرایط اعجاز باشد، معجزه است؛ یعنی:

۱. خارق عادت باشد؛
 ۲. دیگران از آوردن مانند آن، ناتوان باشند؛
 ۳. همراه تحدی باشد.
- با توجه به این مطلب آیات اقتصادی قرآن کریم باید از نظر علمی و معنایی دارای چنین شرایط باشد تا بتوانیم اعجاز اقتصادی را از آن استنباط نماییم.

۳. بیان دیدگاهها

در اینکه آیا می توان اعجاز اقتصادی را از قرآن اثبات کرد یا خیر؟ به این سؤال باید پاسخ گفت که آیا همه علوم عقلی، شهودی، تجربی، طبیعی، انسانی (جامعه شناسی، اقتصاد) و... در قرآن وجود دارد؟ تا برای اثبات علم اقتصاد در قرآن و آن هم به نحو اعجاز اقتصادی تلاش کنیم.

الف) جامعیت قرآن در مشتمل بودن بر همه علوم

از طرفداران مشهور این نظریه می توان از مرحوم فیض کاشانی، غزالی در «جواهر القرآن» و جلال الدین سیوطی در «الاتقان» نام برد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۱۶۳)

دلایل آنها عبارت است از:

۱. ظاهر آیات قرآن، دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن هست، مانند آیات:

- «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ؛ و هیچ تر و هیچ خشکی نیست، جز اینکه در کتاب روشنگر (علم خدا ثبت) است». (انعام: ۵۹)

- «وَوَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ؛ و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر هر چیز (از کلیات دین) و رهنمود و رحمت و مژده ای برای مسلمانان است». (نحل: ۷۹)
 ۲. «ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛ هیچ چیزی در کتاب فروگذار نکردیم». (انعام: ۳۸)
- قرآن خلاصه ای از اسرار آفرینش است، پس همه علوم در قرآن وجود دارد و از آن الهام گرفته است. اگر ما نتوانیم آنها را پیدا کنیم، علتش این است که عقل ما از درک و استخراج آنها قاصر است و در آینده بشریت پیشرفت می کند و همه مسائل را از قرآن به دست می آورد.
۲. وجود آیاتی است که اشاره به علوم مختلف می کند. برای مثال علم ریاضی، از آیه «وَوَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ

أَتَيْنَاهَا وَ كَفَىٰ بِهَا حَاسِبِينَ؛ ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی) با شد، ما آن را حاضر می‌کنیم و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم» (انبیاء: ۴۷) می‌گویند این آیه اشاره به علوم ریاضی دارد و برای منشأ علم طب آیه «وَ إِذَا مَرَضْتُ فَبِهِمْ يَشْفِينُ؛ و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد» (شعراء: ۸۰)

۳. وجود روایاتی که در این زمینه وارد شده است از جمله روایتی از امام باقر (ع) که می‌فرماید: «از او شنیدم که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَ بَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ...؛ خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مسلمانان به آن محتاج باشند، فروگذار نکرده است و آنها را در قرآن، نازل فرموده و برای پیامبر ﷺ بیان کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۵۹)

این‌عین می‌گوید از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ أَعْلَمُ مَا يَكُونُ عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِيهِ يَتَّبِعَانِ كُلُّ شَيْءٍ؛ به درستی که من هر چه در آسمان‌ها و زمین است می‌دانم؛ هر چه در بهشت و جهنم است می‌دانم؛ هر چه واقع شده یا می‌شود می‌دانم. (سپس کمی مکث فرمود و ملاحظه کرد که این مطلب برای شنوندگان دشوار آمده پس فرمودند) این مطالب را از قرآن می‌دانم که خداوند می‌فرماید: قرآن بیان‌کننده همه چیز است. (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ۱۲۸)

کسانی مانند اسامه السید عبدالسمیع در کتاب الاعجاز الاقتصادية فی القرآن الکریم و رفیق یونس المصری در کتاب الاعجاز الاقتصادية للقران کریم که با استدلال به آیات شریفه قرآن می‌خواهند اعجاز اقتصادی را اثبات کنند، از طرفداران این فکرند که همه علوم در قرآن وجود دارد و دلیل بر اعجاز اقتصادی می‌باشد.

ب) مخالفان اعجاز علمی قرآن

این دیدگاه معتقد است که نمی‌توان علوم مختلف را از قرآن استنباط نمود. دلایل این عده عبارت است از:

۱. قرآن کتاب هدایت تربیتی و دینی است و نازل شده است تا انسان‌ها را به سوی فضیلت‌ها و خداشناسی هدایت کند و در این راه، لازم نیست همه معارف تجربی و غیر تجربی را برای بشر بیان کند، چون انسان عقل و احساس دارد و خود می‌تواند مسائل تجربی و علوم را به دست آورد. به علاوه این علوم، لازمه لاینفک تربیت معنوی انسان نیست.

۲. ظهور آیاتی که دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن است قابل اخذ نیست. یعنی نمی‌توان عمومیت آنها را پذیرفت که بگوییم همه علوم بشری و همه معارف دینی با هم و به صورت مفصل، در قرآن موجود است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۱۶۳)

۳. در آیات شریفه «وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹)، «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۷۹) و «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸) در اینکه موارد کتاب چیست، چند احتمال ذکر شده است:

۱. قرآن؛ ۲. لوح محفوظ؛ ۳. امام مبین.

اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال؛ بنابراین نمی‌شود به طور قطع گفت منظور از کتاب، قرآن است. در نتیجه اثبات اعجاز علمی همه علوم و اعجاز اقتصادی به صورت قطع یقین ممکن نیست، مگر آنکه مستدل با استفاده از ظاهر آیات آن را به عنوان یک برداشت و احتمال مطرح نماید. (همان)

۴. نمونه‌های اعجاز اقتصادی در قرآن تبیین عقلانیت دلالت

معجزات بر صدق نبوت بر اساس دلالت‌های وضعی

الف) موضوعاتی که دانشمندان اسلامی در مورد آن ادعای اعجاز نموده‌اند عبارت‌اند از اعجاز بیانی، بلاغی، عددی، تشریحی، علمی، طبی، زراعی، هندسی، غیبی، تاریخی و اقتصادی. در این مقاله فقط اعجاز اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب) بخشی از موضوعاتی که در مورد آن ادعای اعجاز اقتصادی شده عبارت‌اند از:

۱. پرداخت زکات و اثر آن در توازن و عدالت اقتصادی

قرآن کریم می‌فرماید:

- «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكَّعِينَ؛ و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید». (بقره: ۴۳)؛

- «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ...؛ از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی». (توبه: ۱۰۳)؛

- «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ و کسانی که در اموالشان حقی معلوم است، برای سائل و محروم». (معارج: ۲۵-۲۴)

نقد و بررسی

اولاً هرچند پرداخت زکات به توازن اقتصادی جامعه کمک می‌کند، اما پرداخت زکات و صدقات حکم اختصاصی اسلام و قرآن نیست، بلکه در هر جامعه دینی و غیردینی کمک کردن به دیگران عملی انسانی است که اسلام آن را به عنوان یک واجب بیان

نموده و بر آن تأکید دارد. ثانیاً پرداخت زکات بیان یک حکم اسلامی است، هر چند از ابعاد دیگر مانند اعجاز بلاغی و بیانی و... این آیات دارای معجزه است و تحدی دارد، اما در خصوص اقتصاد به عنوان اعجاز اقتصادی چنین مطلب اثبات نمی‌شود. ثالثاً یکی از شرایط معجزه آن است که دیگران از مثل آن عاجز باشد. در اینجا هر عاقلی این مطلب را درک می‌کند که پرداخت زکات به تعادل اقتصادی کمک می‌کند، اما نمی‌توان این آیات را در بُعد اقتصادی دارای اعجاز دانست.

۲. تحریم ربا و دلالت آن بر اعجاز اقتصادی

قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید.» (آل عمران: ۱۳۰)؛

«وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ؛ آنچه به عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مايه برکت است و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعف‌اند.» (روم: ۳۹)

استدلال بر اعجاز اقتصادی در تحریم ربا

۱. ضرر به نفس انسان: خداوند دین را برای بشر نازل کرد تا انسان را به مراتب کمال برساند. اسلام، خواهان سلامتی نفس انسان است و ربا یکی از اعمالی است که انسان را به سوی انحراف می‌کشاند.
۲. ضرر دینی: رباخواری دشمنی با خدا و رسول است. (بقره: ۲۷۹ و ۲۷۸) در حال که شخص ربا گیرنده از ثواب قرض الحسنه که ده برابر است و او به آن محتاج است باز می‌ماند.
۳. ضرر اجتماعی: ربا گرفتن ظلمی در حق برادر دینی در جامعه اسلامی است. (بقره: ۲۴۵)

۴. ضرر اقتصادی: ربا دهنده شخصی است که محتاج قرض گرفتن است که می‌تواند اصل سرمایه را با سود آن برگرداند، آن شخص هیچ وقت رشد اقتصادی ندارد. (اسامه، بی تا: ۱۵۶-۱۵۳)

همچنین قرآن در آیه دیگر می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ

حَرَّمَ الرَّبُّ فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ؛ کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد). این به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست) در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد) و کار او به خدا واگذار می‌شود (و گذشته او را خواهد بخشید) اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتش‌اند و همیشه در آن می‌مانند. خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد». (بقره: ۲۷۶-۲۷۵) مستدل بعد از بیان آیات می‌گوید:

۱. کسانی که ربا می‌خورند، رفتار و کردارشان مانند شخص جن‌زده و فریب خورده شیطان است.

۲. هدف در بیع و ربا زبانی مال است، در حالی که خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است.

۳. خداوند ربا را کاهش داده و در بیع رشد اقتصادی است. (اسامه، همان: ۱۶۵)

۱۵

اعجاز اقتصادی در دریافت سرمایه و گذشت از گرفتن ربا
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُّوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تَتُوبُوا فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید. اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست [اصل سرمایه، بدون سود]؛ نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود». (بقره: ۲۷۸ و ۲۷۹)
 وجه اعجاز در این آیه

۱. تقوا جمع‌کننده تمام خیر و ترک تمام شر است.

۲. در گرفتن ربا اعلان جنگ با خدا و رسول خدا، است: «فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ» (اسامه، همان: ۱۷۷)

نقد و بررسی

اولاً در تمامی آیات تحریم ربا، نویسنده بعد از ترجمه آزاد آیات فقط می‌گوید: هذا هو الاعجاز(اعجاز اقتصادی) و این یک ادعای بدون دلیل است. ثانیاً حرمت و مضرات ربا چیزی نیست که انسان از درک آن عاجز باشد و این مطلب فقط در قرآن، آن هم به عنوان معجزه آمده باشد، بلکه اکثریت مسلمانان حرمت و ضررهای فردی و اجتماعی آن را می‌دانند و اینکه عده‌ای علیرغم این مطلب باز هم به رباخواری ادامه می‌دهند دلیل بر آن است که در گذشته نیز به این مهم عالم بوده‌اند و اسلام آن را به عنوان یک حکم بیان کرده و برای کسانی که از این فرمان سرپیچی کنند، عذاب مقرر نموده و غیر از اعجاز در فصاحت و بلاغت، اعجاز در حرمت ربا و اقتصاد را نمی‌توان از این آیات اثبات کرد.

۳. اعجاز اقتصادی در حرمت سرقت

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید؛ و خداوند توانا و حکیم است.» (مائده: ۳۸) مستدل می‌گوید: اولاً آیات، بیانگر حرمت سرقت اشیای کوچک و بزرگ است، به دلیلی که مفسد اقتصادی را به دنبال دارد. ثانیاً احترام اسلام به مالکیت فرد را بیان می‌کند. رفیق یونس المصری می‌گوید احدی از علمای اقتصاد نتوانسته این مطلب را رد کند. (المصری، ۱۴۲۶ق: ۶۵؛ اسامه، همان: ۲۲۰)

نقد و بررسی

اولاً هر چند این آیات در الفاظ دارای اعجاز است، ولی اعجاز در الفاظ دلیل بر اعجاز در معنا نیست تا از طریق آن اعجاز اقتصادی را اثبات کنیم. ثانیاً احترام اسلام به مالکیت فردی مطلبی نیست که فقط در قرآن آن هم به عنوان معجزه آمده باشد، بلکه اکثریت کسانی که از عقل و علم بهره‌ای دارند، غیر از مکتب کمونیستی قائل به آن هستند. پس خارق عادت و معجزه اقتصادی نیست.

۴. اعجاز اقتصادی در وفای به عهد و عقد وعده‌ها

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمانها (و قراردادهای) وفا کنید!» (مائده: ۱)
- «... وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ و به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود.» (اسراء: ۳۴)

- «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ؛ و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن که او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبری (بزرگ) بود.» (مریم: ۵۴)

مستدل می‌گوید: خداوند وفای به عهد را به منزله عبادت و بر انجام آن ثواب و بر ترک آن عقاب قرار داده است.

ثانیاً اطلاق عهد و عقد در آیه و عدم تقیید آن شامل عقد اجاره، بیع، صرف، ازدواج و... می‌شود. (اسامه، همان: ۲۳۰)

نقد و بررسی

اولاً همان گونه که قبلاً گفته شد اینجا مدعی اثبات اعجاز اقتصادی با توضیح مختصر آیات آن هم بدون دلیل عقل‌پسند مورد پذیرش نیست. ثانیاً وفای به عهد و عقد را همه افراد عاقل کاری خوب و پسندیده می‌دانند، پس خارق عادت نیست و در بعد اقتصادی شرایط معجزه را ندارد.

۵. اعجاز بزرگ شمردن منفعت در قرآن

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ و به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید، تا به سر حد بلوغ رسد! و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود.» (اسراء: ۳۴)

۱۷

سخن مستدل به نقل از طبری این است: تصرف در مال یتیم باید برای اصلاح و به دست آوردن سود نگهداری از آن باشد نه میل و اسراف در آن. مجاهد و سدی می‌گویند باید با آن مال تجارت نمود و پرورش داد. ضحاک ابن مزاحم می‌گوید: به دنبال منفعت مال یتیم باشید؛ از سود آن برای خود بردارید. ابن زید و زجاج با توجه به آیه ۶ سوره نساء قائل به تفصیل شده، بیان می‌دارند: اگر سرپرست مال یتیم فقیر است، به قدر نیاز از آن ارتزاق کند در غیر این صورت جایز نیست.

«وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ؛ و هر کس از اولیاء یتیم فقیر نیست به کلی از هر قسم تصرف در مال یتیم خودداری کند و هر کس که فقیر است در مقابل نگهداری آن مال به قدر متعارف ارتزاق کند.» (نساء: ۶)

آیا در صورتی که اولیای یتیم فقیر است می‌تواند از آن مال برای خود لباس تهیه کند یا خیر؟ قرآن غیر از ارتزاق را اشاره نکرده است.

امام فخر رازی می‌گوید سرپرست مال یتیم باید در رشد و تحصیل نهایت منفعت تلاش نماید. ابوحنیان می‌گوید: در این آیه نکته این است که با افعال التفضیل آمده «أَحْسَنُ» و اینکه خداوند فرموده است: «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، برای مراعات مال یتیم

است و عدم کفایت، کاری پسندیده در آن است بلکه باید بهترین را انجام داد. این جوزی می‌گوید در این آیه چهار قول است... در ادامه اشان بیان می‌دارد که این آیه در تعظیم منافع یتیم دلالت دارد قبل از آنکه علم اقتصاد در غرب پایه گذاری شود. این دلالت بر اعجاز اقتصادی می‌کند. (المصری، ۱۴۲۶ق: ۴۹-۴۷)

نقد و بررسی

ذیل این آیات، مستدل به نقل اقوال و مباحث الفاظ پرداخته و هیچ‌گونه استدلال بر معجزه اقتصادی را بیان نمی‌کند.

۶. انتخاب کمترین خسارت

«حَتَّىٰ إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا؛ چون به کشتی سوار شدند آن را سوراخ کرد» (کهف: ۷۱) در سفر حضرت موسی علیه السلام و حضرت خضر نبی علیه السلام، به جایی رسیدند که حضرت خضر کشتی مساکین را سوراخ کرد و حضرت موسی علیه السلام به این کار او اعتراض نمود، زیرا از این قضیه بی‌خبر بود که در آنجا پادشاه ظالمی وجود دارد که کشتی‌های سالم را غصب می‌کرد و کشتی‌های معیوب را رها می‌ساخت. در اینجا بین دو کار تعارض بود؛ سالم گذاشتن کشتی و غصب شدن آن توسط پادشاه ظالم و از بین رفتن تمام منافع آن کشتی و معیوب کردن کشتی که سبب از بین رفتن بعضی منافع بود. جای شک نیست که معیوب نمودن کشتی، ضرر کم‌تری برای مساکین داشت. آیه شریفه بیانگر آن است که هر جا دو ضرر که اجتناب از هر دوی آنها ممکن نیست باید آن را که خسارت کمتری دارد، انتخاب نمود که در علم فقه از آن به اخف الضررین و در علم اقتصاد و علم نظامی به سیاست تقلیل خسایر (انتخاب کمترین خسارت) یاد می‌شود. (المصری، همان: ۵۴-۵۰)

نقد و بررسی

در این آیه شریفه مثل آیات گذشته اعجاز علمی و اقتصادی وجود ندارد، زیرا هر انسان عاقل هنگام مواجه شدن با دو ضرر که ناچار باید یکی از دو ضرر را انتخاب کند. بدیهی است که کمترین ضرر را انتخاب می‌کند، حتی اگر با قرآن و دین هیچ‌گونه آشنایی نداشته باشد.

نتیجه

قرآن کریم، معجزه جاوید پیامبر اسلام ﷺ است و در ابعاد مختلف، از جمله اعجاز علمی آن به اثبات رسیده است و آیات تحدی نیز به صورت روشن بر آن دلالت دارد و ما را متوجه این مطلب می‌کند که قرآن این معارف را از محیط اجتماعی خود الهام نگرفته است، چون در زمان نزول قرآن جزیره العرب فاقد تمدن بوده و حتی تمدن‌های آن زمان که در ایران و روم برپا بوده، چنین رهنمودها و پیشرفت‌های علمی نداشته‌اند تا بتوانند نظریات علمی قرآن را به پیامبر، القا کنند، بنابراین قرآن در بسیار از ابعاد، از جمله اعجاز علمی معجزه است، اما برخی با استفاده از ظاهر آیات ادعای اعجاز اقتصادی قرآن را دارند. باید گفت: هر چند در قرآن، به بعضی از علوم و مطالب علمی اشاراتی شده است، اما با توجه به تعریف اقتصاد و تعریف اعجاز و بیان شرایط اعجاز و دیدگاه‌های اثبات و نفی همه علوم از قرآن نمی‌توان اعجاز اقتصادی را به صورت موجه کلیه اثبات کرد.

بدین معنی که در قرآن کریم آیات اقتصادی زیادی است که ممکن است به صورت موجه جزئی یعنی با کمک روایات و استفاده از عقل، مبانی اقتصادی توأم با عدالت فردی و اجتماعی را پایه‌گذاری نماید و با یاری از آنها، بهترین برنامه اقتصادی را به جوامع انسانی عرضه نمود؛ اما این به معنی اعجاز اقتصادی نیست. از طرفی تمامی کسانی که قائل‌اند همه علوم را از قرآن می‌توان استنباط نمود مانند شاطبی، غزالی، رازی، سیوطی، عبده، مراغی ابن عاشور و... هیچ کدام اعجاز اقتصادی به صورت قطع و یقین را ادعا نمی‌کنند، بلکه احتمال در بیان آیات می‌دانند. بنابراین اگر منظور از «اعجاز اقتصادی» فقط استدلال به آیاتی است که از نظر گذشت، ادعایی است بدون دلیل عقل‌پسند و این مطلب مقبول نیست و ضرورت هم ندارد، زیرا اگر از این طریق نتوانیم اعجاز اقتصادی را اثبات کنیم، ضروری متوجه قرآن نیست، چون در ابعاد دیگر اثبات اعجاز ممکن است.

ثانیاً ادعا و استدلال‌های ظنی سبب کم‌رنگ شدن ایمان مسلمانان به قرآن و نسبت دادن مطالب ظنی به ساحت قرآن منجر به تفسیر به رای می‌شود. ثالثاً چنین استدلال‌های بی‌اساس، زمینه اشکال‌های مخالفین قرآن و اسلام را فراهم می‌کند. بنابراین مطالبی را که برخی از محققین محترم به عنوان اعجاز اقتصادی بیان داشته‌اند برای اثبات مدعا کافی نیست و اعجاز اقتصادی از آن استفاده نمی‌شود.

منابع و مآخذ:

قرآن کریم

- ابن منظور محمد بن مکرم (۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار الصادر.
- اسامه السید عبد السمیع (بی تا)، *الاعجاز الاقتصادي فی القرآن الکریم*، دارالفکر الجامع.
- اصفهانی راغب (۱۴۲۷ق)، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، قم: طلیعه النور.
- بنت شاطی، عائشه (۱۳۷۹)، *العجاز الیسانی للقرآن*، تهران: دارالمعارف اسلامی.
- پژوهشکده حوزه و دانشگاه (۱۳۸۰)، *درآمدی بر اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت.
- خلیل بن احمد فراهدی (بی تا)، *العین*، ج ۲، قم: نشر هجرت.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۰)، *البیان فی تفسیر قرآن*، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۵)، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، قم: اسوه.
- سید رضا مؤدب (۱۳۷۹)، *اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت و سلطنت* و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، قم: احسن الحدیث.
- سیوطی جلال‌الدین (۱۳۸۰)، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۰)، *اقتصاد ما*، مترجم: محمد کاظم موسوی، مشهد: جهاد سازندگی.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، ج ۲، قم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۹)، *قاموس قرآن*، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، ج ۴، تهران: الاسلامیه.
- المصری رفیق یونس (۱۴۲۶ق)، *الاعجاز الاقتصادي للقرآن کریم*، جده: مرکز ابحات الاقتصاد الاسلامی جامعه الملك عبد العزيز.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، *ترجمه قرآن*، ج ۲، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- همدانی موسوی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.